

تبیین‌های اجتماعی فرهنگی جمعیت در اندیشه آیت الله مرتضی مطهری

اسماعیل چراغی کوتیانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

چکیده

جمعیت، پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که به‌عنوان یک مسأله‌ی راهبردی و عامل کلیدی در پایداری و پویایی جوامع، همواره مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است. مطهری، فیلسوف و متفکر برجسته‌ی مسلمان، با ارائه‌ی تحلیل‌های عمیق اجتماعی و فرهنگی، به موضوع جمعیت پرداخته است. این نوشتار با هدف بررسی تبیین‌های اجتماعی و فرهنگی علامه مطهری در خصوص جمعیت نگارش یافته است. روش تحقیق در این پژوهش، اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و داده‌ها از طریق بررسی آثار ایشان جمع‌آوری و با استفاده از روش تحلیل مضمون پردازش شده است تا بتوان تصویری جامع از دیدگاه ایشان در مورد جمعیت ارائه کرد. یافته‌ها بیانگر آن است که استاد مطهری، از یک‌سو به نقد اندیشه جمعیت‌شناسان مخالف کثرت جمعیت پرداخته و از سوی دیگر کنترل مولید پس از انعقاد نطفه را مخالف آموزه‌های دینی دانسته و پی‌آمدهای آن را برای بشر مخاطره‌آمیز قلمداد کرده‌اند. ایشان فرزندآوری را امری فطری و دارای کارکردهای بسیار دانسته و به شبهات در خصوص فرزندآوری پاسخ داده‌اند. از نظر ایشان کنترل مولید در جوامع اسلامی، سیاستی استعماری است که پی‌آمدهای ناگواری برای بشریت دارد. از نظر او تحدید نسل نتیجه خروج خانواده از کانون تربیت نسل است. وی فرزند را سرمایه زندگی، عامل بقا نوع، تاثیرگذار در شخصیت والدین، کمال‌آفرین برای مادر و دارای کارکردهای معنوی می‌داند. او شبهات پیرامون افزایش جمعیت را مردود دانسته و معتقد است جمعیت عامل فقر و دشمن زیبایی زن نبوده و روزی فرزندان تضمین شده و آنان نه دشمن انسان که به مثابه عاملی برای آزمایش والدین در مسیر رشدشان هستند. مطهری را می‌توان در شمار اندیشمندانی دانست که به جمعیت متناسب، باور دارند. رویکرد ایشان، مبتنی بر جریان حکم ثانوی در مسائل مهم اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: تبیین، جمعیت، جمعیت‌شناسی، فرهنگ، مطهری.

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم ایران: esmaeel.cheraghi@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

در طول تاریخ، موضوع جمعیت همواره مورد توجه اندیشمندان در رشته‌های مختلف علمی بوده است. این اهمیت ناشی از چندوجهی بودن و پیچیدگی این موضوع است؛ چرا که هرگونه تصمیم‌گیری در مورد جمعیت نیازمند بررسی دقیق ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی آن است. تغییرات جمعیتی نه تنها تحت تأثیر عوامل جمعیتی، بلکه تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز قرار می‌گیرند و در نهایت بر تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی، از اقتصاد و سیاست گرفته تا امنیت، فرهنگ، تربیت و اخلاق، اثر می‌گذارند.

امروزه، کمیت و کیفیت جمعیت به عنوان یک مسئله راهبردی و عامل مهم در پایداری و پویایی جامعه، مورد توجه اندیشمندان و سیاست‌گذاران در بسیاری از کشورهاست. این اهمیت باعث شده تا حوزه‌های دانشی گوناگون، از جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و جمعیت‌شناسی (علوم تبیینی) گرفته تا فلسفه، اخلاق و فقه (علوم هنجاری)، به تحلیل این موضوع از دیدگاه‌های مختلف بپردازند. اندیشمندان و فیلسوفان اجتماعی مسلمان نیز در دوره‌های مختلف تاریخی به این موضوع علاقه‌مند بوده و درباره آن بحث کرده‌اند.

علامه مرتضی مطهری، یکی از برجسته‌ترین فیلسوفان و اندیشمندان اجتماعی است که به این موضوع توجه نشان داده و به تحلیل آن پرداخته‌اند. اگرچه ایشان اثر مستقلی در این زمینه ندارند، اما از طریق سخنرانی‌ها و نگاشته‌های فلسفی، کلامی، تفسیری، تاریخی و اجتماعی او، می‌توان به الگویی از اندیشه‌های جمعیت‌شناختی ایشان دست یافت. هدف اصلی این پژوهش، بررسی تبیین‌های اجتماعی-فرهنگی جمعیت در اندیشه آیت‌الله مرتضی مطهری است. گردآوری اسناد و اطلاعات از طریق روش کتابخانه‌ای و اسنادی و پردازش داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون صورت می‌گیرد.

در خصوص پیشینه پژوهش هم‌گفتی است که تاکنون هیچ پژوهشی به‌طور ویژه به بررسی اندیشه‌های مطهری در حوزه جمعیت‌شناسی نپرداخته است. اطلاعات موجود در این زمینه به‌طور پراکنده در لابلای مجموعه آثار ایشان که یا به‌صورت سخنرانی و یا به‌صورت نگاشته‌های مختلف بوده‌اند، ارائه شده است. در این راستا، پژوهشگر بر آن است تا با تحلیل و استخراج الگوهای جمعیت‌شناختی از افکار علامه مطهری، تصویری جامع و منسجم از نظرات ایشان در این حوزه ارائه دهد. این رویکرد می‌تواند به پر کردن خلأهای موجود در ادبیات پژوهشی و همچنین ارتقای درک ما از نظریه‌های اجتماعی و جمعیتی کمک کند.

تعریف مفاهیم

۱. تبیین

تحلیل و بررسی مسائل علمی از طریق روش تبیین یکی از ابزارهای مهم در علوم اجتماعی است. تبیین‌ها به عنوان پاسخ به چرایی و چگونگی پدیده‌ها عمل می‌کنند. در جامعه‌شناسی تلاش می‌شود تا روابط الگویی بین پدیده‌ها مورد توضیح قرار گیرد و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر بررسی شود (میرزایی، ۱۳۹۳، ص ۲۹۹) منطق تبیین بر این قاعده استوار است که برای درک یک پدیده یا نظامی خاص، باید بررسی کنیم که این پدیده چگونه از نظم‌های عمیق‌تر در طبیعت ناشی می‌شود (لیتل^۱، ۱۳۸۱، ص ۶-۷). تبیین‌ها از یک دیدگاه کلی به دو دسته تبیین‌های تجربی (استقرایی) و تبیین‌های تئوریک (قیاسی) تقسیم می‌شوند. تبیین استقرایی یک رخداد را تحت یک نظم تجربی که قبلاً تأیید شده، قرار می‌دهد. تبیین قیاسی اما، تلاش می‌کند تا توصیف یک حادثه را از فرضیه‌های تئوریک که بیانگر فرآیندهای منجر به آن رخداد هستند، استخراج کند. این نوع تبیین‌ها فرضیه‌هایی درباره‌ی مکانیسم‌ها یا ساختارهای زیرین رخدادها ارائه می‌دهند (لیتل، ۱۳۸۱، ص ۱۱) با توجه به این تقسیم‌بندی، تبیین‌های جمعیت‌شناسی علامه مطهری از نوع دوم هستند. یعنی ایشان سعی کرده‌اند تا بر پایه آموزه‌های بنیادین دین، رویکرد اسلام به موضوع جمعیت را تبیین کنند.

۲. تبیین جمعیت‌شناختی

در مطالعات جمعیت‌شناسی، ابتدایی‌ترین نوع تبیین، تبیین جمعیت‌شناختی می‌باشد. در این نوع تبیین، پدیده‌ای در حوزه جمعیت از طریق دیگر پدیده‌های جمعیتی توضیح داده می‌شود. مثلاً تغییرات در تعداد کل جمعیت با استفاده از عوامل جمعیتی نظیر باروری، مرگ و میر و مهاجرت تحلیل می‌گردد. با این حال، این نوع تبیین‌ها علی‌رغم دقت بالا به خاطر محدودیت‌هایشان قابل توجه‌اند. (سرای، ۱۳۶۸، ص ۲۸) زیرا تنها بر پدیده‌های جمعیت‌شناختی تمرکز دارند و از بررسی پدیده‌های دیگر خودداری می‌کنند.

۳. تبیین اجتماعی - فرهنگی جمعیت

¹. Little

یک بررسی جامع و گسترده، تحلیلی است که قادر به توضیح بسترهایی باشد که در آن پدیده‌های جمعیتی ظهور می‌کنند. برای این منظور، ضروری است جمعیت‌شناس از حوزه تخصصی خود فراتر رفته و از مفاهیم و داده‌های سایر علوم، به‌ویژه علوم اجتماعی، برای ارائه تبیین‌های کامل‌تر بهره گیرد. چرا که تبیین‌های غیردموگرافیک (مانند تبیین‌های اجتماعی)، هرچند که از دقت کمتری برخوردارند، اما ارزشمندتر و مهم‌تر به شمار می‌روند. این نوع تحلیل‌ها عمدتاً در قالب جمعیت‌شناسی اجتماعی یا جمعیت‌پژوهی مطرح می‌شوند. جمعیت‌پژوهی به عنوان حوزه‌ای بین‌رشته‌ای، علاوه بر مطالعات جمعیت‌شناسی، به توصیف و تبیین دموگرافیک و غیردموگرافیک پدیده‌های جمعیتی و همچنین بررسی تأثیرات و پیامدهای غیردموگرافیک آن‌ها پرداخته و مطالعات جامع‌تری ارائه می‌دهد (سرای، ۱۳۶۸، ص ۲۸).

به‌هرحال، تحلیل اجتماعی و فرهنگی به شناسایی فرهنگ و باورهای جمعیتی مرتبط با موضوعاتی مانند فرزندآوری، باروری، خانواده و ازدواج می‌پردازد و بررسی می‌کند که جمعیت چگونه تحت تأثیر عواملی اجتماعی و فرهنگی افزایش یا کاهش می‌یابد. (آشفته تهرانی، ۱۳۸۱، ص ۱۷) شایان ذکر است که تبیین‌هایی که مطهری در زمینه موضوعات جمعیتی ارائه می‌دهند، از نوع تبیین‌های اجتماعی فرهنگی محسوب می‌شوند.

روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش «تحلیل مضمون»^۱ انجام شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. پژوهشگران علوم اجتماعی و انسانی، غالباً از تحلیل مضمون جهت شناخت الگوهای کیفی و کلامی و تهیه کدهای مرتبط با آنها استفاده می‌کنند. (عابدی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳-۱۵۴) جامعه مورد بررسی آثار مرتبط با اندیشه‌های استاد مطهری درباره جمعیت و فرزندآوری بوده است. برای گردآوری داده‌ها، تمامی کتاب‌ها، آثار مکتوب و معتبر ایشان که به موضوع جمعیت، خانواده، فرزندآوری اشاره داشته‌اند، گردآوری گردید. تمامی ۳۳ جلد مجموعه آثار و ۱۷ جلد یادداشت‌های استاد مطهری با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط با جمعیت و فرزندآوری به دقت مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

^۱ . Thematic Analysis

داده‌های حاصل از مطالعه آثار مطهری به روش تحلیل مضمون و بر اساس مدل شش مرحله‌ای براون و کلارک^۱ تحلیل شدند که شامل آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجوی مضامین، بازبینی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین و تدوین گزارش نهایی بود. (عابدی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸)

در مرحله نخست، ابتدا تمامی متون گردآوری شده چندین بار مطالعه شد تا پژوهشگر با محتوای داده‌های کیفی آشنایی پیدا کند. در مرحله دوم، جملات و گزاره‌های مرتبط با موضوع پژوهش بر اساس معنا و مفهوم با کدهای اولیه مشخص شدند. در مرحله سوم کدهای مشابه و هم‌معنا در طی تحلیل و مقایسه مستمر در قالب مضامین فرعی و سپس مضامین اصلی دسته‌بندی گردیدند. بازبینی و اعتبارسنجی مضامین، مرحله چهارم پژوهش بود. در این مرحله مضامین استخراج شده توسط اساتید متخصص و پژوهشگران حوزه علوم اسلامی و اجتماعی مرور و صحت آن‌ها تأیید شد. در مرحله پنجم هر مضمون با تعریف نظری مشخص و عنوانی مفهومی تعیین شد. در نهایت، یافته‌ها در قالب جدولی شامل مضامین اصلی و مفاهیم هرکدام ارائه گردید. در ادامه، جدول تحلیل مضمون برای پژوهش کیفی درباره‌ی «تبیین‌های اجتماعی فرهنگی جمعیت در اندیشه آیت الله مرتضی مطهری» ارائه شده است. این جدول شامل ۶ مضمون اصلی و ۲۵ مضمون فرعی است.

مضمون نهایی	مضامین اصلی	مضامین فرعی
	کنترل جمعیت در اندیشه فلاسفه و ادیان	۱. کنترل جمعیت در اندیشه فلاسفه قدیم ۲. کنترل جمعیت از منظر مسیحیت ۳. کنترل موالید در اسلام
	تاثیر پیشرفت علم در جمعیت	نقش پیشرفت علم در افزایش جمعیت
	نقد سیاست‌های استعماری و مکاتب غربی	۱. کنترل موالید سیاستی استعماری ۲. ازدیاد جمعیت، مساله غرب

¹ . Braun & Clarke

۳. پیامدهای برنامه کنترل جمعیت برای بشریت ۴. تحدید نسل ثمره خروج خانواده کانون تربیت نسل ۵. تحلیل نظریه مالتوس و سیسموندی		
۱. فطری بودن علاقه به فرزند ۲. الزام پیروی از غریزه فرزنداور ۳. ارزشمندی نقش مادری ۴. رابطه تعدد زوجات و فرزندآوری ۵. تقوا عامل زیاد شدن جمعیت ۶. متغیر بودن نیاز جامعه به جمعیت	مبانی دینی فرزندآوری	فرزندآوری؛ ارزش فطری و کارکردی در مواجهه انتقادی با گفتمان غربی
۱. فرزند سرمایه زندگی ۲. فرزندآوری عامل بقا نوع ۳. تاثیر فرزند بر شخصیت والدین ۴. کارکرد معنوی فرزندان ۵. کارکرد کمال آفرینی فرزندآوری برای مادر	کارکردهای فرزندآوری	
۱. استثمار عامل فقر و نه جمعیت ۲. شبهه «فرزند دشمن زیبایی و سلامت زن» ۳. شبهه فقدان روزی فرزند ۴. شبهه فتنه بودن فرزند برای انسان ۵. شبهه دشمنی فرزند برای انسان	شبهه زدایی	

در تحلیل کلان اندیشه مطهری (مضمون نهایی) فرزندآوری، مقوله‌ای اصیل، مقدس، فطری و اجتماعی است که تقلیل، تحدید یا مادی ساختن آن برگرفته از بحران‌های معنوی و فکری غرب و سیاست‌های استعماری است. مطهری با تکیه بر مبانی دینی و انسانی، به دفاع عقلانی و معنوی از ارزش فرزندآوری پرداخته و شبهات را با استدلال رد می‌نماید و آن را پایه استحکام خانواده، تعالی انسان و بقای فرهنگ الهی می‌داند. در منظومه فکری او، فرزندآوری ریشه در سرشت و فطرت انسان داشته و پاسخ به نیاز طبیعی و فطری اوست. مطهری معتقد است که فرزندآوری صرفاً پدیده‌ای زیستی و روان‌شناختی نبوده، بلکه از منظر دینی، تکلیف، مسئولیت و نعمتی الهی است. دین اسلام به فرزندآوری نه تنها مشروعیت داده، بلکه آن را امری با فضیلت می‌داند که موجب بقای نسل، کمال انسانی و انتقال ارزش‌های الهی است. این بعد الهی، فرزندآوری را از سطح یک انتخاب فردی صرف فراتر برده و آن را به جایگاهی مقدس و قدسی می‌رساند. او بر این نکته تأکید می‌کند که فرزند و فرزندآوری افزون بر بُعد زیستی، دارای کارکردهای اجتماعی، معنوی و اخلاقی است. او سیاست‌های کنترل جمعیت را در ریشه‌یابی فلسفی، اغلب برآمده از بحران‌های اقتصادی، نگرش مالتوسی، نگرانی‌های تمدنی و حتی مقاصد استعماری می‌شمرد. در ادامه به تحلیل مضامین اصلی و فرعی می‌پردازیم:

۱. کنترل جمعیت در اندیشه فلاسفه و ادیان

۱/۱. کنترل جمعیت در اندیشه فلاسفه قدیم

موضوع جمعیت و افزایش آن از دیر باز مورد توجه اندیشمندان جهان بوده است. البته نوع طرح مسأله‌بودگی جمعیت از سوی آنان با آن چه در قرن‌های اخیر مطرح می‌شود، تفاوت دارد. مطهری ضمن اشاره به این تفاوت اندیشه‌ها بر این باورند که قدمای فلاسفه که روی مسئله خیر و شر بحث می‌کرده‌اند، مرگ را جزء خیرات بشر حساب می‌کردند و می‌گفتند که مرگ در عین اینکه برای فرد شر است برای نوع بشر خیر است. (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۹، ص ۵۲۹) مطهری محور تحلیل این مسأله از سوی آنها را موضوع جمعیت دانسته و به نقل از آنان می‌گوید: اگر هیچ یک از افراد روی زمین نمیرد، همیشه این پرسش مطرح

است که آیا افراد بشر اقدام به فرزندآوری بکنند یا نکنند؟ اگر اقدام نکنند نسل بشر منقطع و اگر اقدام به فرزندآوری بکنند و کسی هم نمیرد پس از چند قرن کار به جایی می‌رسد که اگر افراد بشر بخواهند در روی زمین بایستند جا برای همه نیست تا چه رسد به اینکه بخواهند از زمین استفاده‌های دیگر بکنند. پس باید نسل‌های پیشین بمیرند تا زمینه برای بقا و زندگی افراد دیگر باقی باشد و هستی از این طرف کشش پیدا کند. (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۹، ص ۵۲۹)

افلاطون نیز در کتاب «جمهور» به مسائل جمعیتی توجه داشته است. او به موضوعاتی مانند اشتراکی بودن زنان و فرزندان، اصلاح نژاد و ارتقای نسل، محروم کردن برخی زنان و مردان از فرزندآوری و اختصاص دادن این حق به افرادی که ویژگی‌های برتری دارند، اشاره می‌کند. همچنین، افلاطون بر تناسل در سنین معینی از زندگی زنان و مردان، که دوران اوج قوای حیاتی آن‌ها محسوب می‌شود، تأکید دارد (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۱۷۵). بنابراین، گرچه موضوع جمعیت برای فلاسفه قدیم مطرح بوده است، اما آن‌ها از دیدگاهی متفاوت با رویکردهای مطرح‌شده در قرون اخیر به این مسأله نگاه می‌کردند.

۱/۲. کنترل جمعیت از منظر مسیحیت

استاد مطهری با مقایسه رویکرد مسیحیت به موضوع کنترل موالید با رویکرد اسلام، به نقد استدلال کلیسا پرداخته‌اند. از نظر ایشان منطق کلیسا در تبیین حرمت کنترل موالید، منطقی عامیانه و غیرقابل قبول است. مسیحیت با این استدلال که کنترل موالید دخالت کردن در کار خدا بوده و بشر حق ندارد در کار خدا مداخله کند، آن را امری ناپسند دانسته است. در نظر آن‌ها، تولد و مرگ جزو امور الهی به شمار می‌آید و هیچ‌کس حق دخالت در کار خدا را ندارد. به همین دلیل، کسی مجاز نیست با استفاده از قرص‌های ضدبارداری جلوی فرزندآوری را بگیرد. کلیسا با هر روشی که برای جلوگیری از تولید مثل به کار رود مخالف است و آن را گناهی بزرگ تلقی می‌کند. (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۹، ص ۵۳۰) استاد مطهری با رد این استدلال بر این باورند که:

«این حرف، حرف نادرستی است. اولاً اگر کار، کار خدا باشد بشر قدرت ندارد در کار خدا مداخله کند؛ یعنی کاری که اختصاص به خدا داشته باشد مگر بشر می‌تواند به خدا ظلم کند و کار خدا را از دست خدا بگیرد؟! هر کاری که بشر می‌کند این خودش دلیل است که کار بشر است. ثانیاً در این صورت وقتی که بشر کشاورزی می‌کند در کار خدا مداخله می‌کند! دلش

می‌خواهد امسال يك زمین را کشاورزی کند... یک زمین دیگر را می‌گوید امسال این زمین را يك آیش بگذاریم... پس بگوییم این دخالت در کار خداست! از نظر اسلام منطق دخالت در کار خدا حرف غلطی است.» (مطهری، ۱۳۹۷، ج ۳۱، ص ۱۹۲)

از نظر استاد مطهری یکی از پیامدهای این رویکرد غیرمنطقی این است که در اروپا هم واکنش اندیشمندان را در پی داشته است. آنان با تاکید بر دیدگاه مسیحیت نسبت به افزایش جمعیت، این موضوع را برجسته می‌کنند که ادیان مانع پیشرفت زندگی بشر هستند و نمی‌توانند با نیازهای زمانه هماهنگ شوند. (مطهری، ۱۳۹۷، ج ۳۱، ص ۱۹۲) به عقیده آن‌ها، این مسئله موجب ایجاد تعارض میان دستورات دینی از یک سو و الزامات زندگی اجتماعی انسان از سوی دیگر می‌شود. بنابراین، نتیجه می‌گیرند که هر قانونی - حتی قانون الهی باید بر اساس مقتضیات زمان تغییر یابد؛ و گاه این موضوع را به شکل تعارض میان دین و علم مطرح می‌کنند. (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۹، ص ۵۲۹)

۳/۱. کنترل موالید در اسلام

استاد مطهری در تحلیل رویکرد اسلام به موضوع کنترل به عنوان یک اصل بر این نکته تاکید دارند که: از نظر اسلام تولید فرزند به صورت سنتی پسندیده، یک مسئولیت است. (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۶۹). از این رو ایشان با رد استدلال مسیحیت مبنی بر این که کنترل موالید «دخالت در کار خداست» دو پاسخ به این شبهه داده‌اند:

نخست این که تعبیر «دخالت در کار خدا» مغالطه است. زیرا همه چیز در دنیا کار خداست و ما هم بنده خدا هستیم. کار خدا این است که جهانی به این عظمت آفریده و آن را با قوانین محکم به گردش درآورده است. محال است که بشر بتواند در کار خدا مداخله کند. بشر و فکر و اراده و نبوغ و ابتکارش همه مخلوق خدا و جزیی از نظام الهی است. هر کاری که بشر می‌کند در حقیقت قضا و قدر الهی را اجرا می‌کند. از این رو، در کار خدا مداخله کردن معنی ندارد. (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۹، ص ۵۳۱).

دوم این که بر خلاف مسیحیت در اسلام اولاً؛ کنترل موالید به شکل جلوگیری از پیدایش از ابتدا، اشکالی ندارد. مگر اینکه از نظر پزشکی مضر باشد. ثانیاً؛ درنکوهش کنترل موالید در نگره اسلام، برخلاف مسیحیت سخن از دخالت انسان در کار خدا نیست بلکه فلسفه آن مخالفت اسلام با قتل و آدم‌کشی است.

(مطهری، ۱۳۹۷، ج ۳۱، ص ۱۹۲) از نظر ایشان، در رویکرد اسلام کنترل موالید تا آنجا که نطفه در رحم منعقد نشده و هنوز حساب انسانی در کار نیست، هیچ مانعی ندارد ولی همین که نطفه منعقد شد، این اول پیدایش انسان است و دیگر جای جلوگیری نیست. (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۸، ص ۱۹۲) وی معتقد است جنین انسانی آن زمانی به وجود می آید که اسپرم و تخمک با یکدیگر ترکیب بشوند. پیش از آنکه این دو با هم پیوند بخورند، هسته اولیه انسان شکل نگرفته است. تا زمانی که بذر انسان (نطفه) به وجود نیامده، این حق را دارند که از تشکیل آن جلوگیری کنند، چرا که قتل محسوب نمی شود. (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۹، ص ۲۳۱) به اعتقاد ایشان، وقتی فقهای شیعه بیان می کنند که هدف از ازدواج دائم، تولید نسل است و هدف از ازدواج موقت، آرام سازی غریزه جنسی است، دقیقاً به همین مقصود اشاره دارند. (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۷۳)

۲. تاثیر پیشرفت علم در جمعیت

نقش پیشرفت علم در افزایش جمعیت

یکی از مباحث مهم در مباحث جمعیت پژوهی، بحث عوامل افزایش جمعیت در جهان است. یکی از علل مهمی که در این خصوص مورد توجه قرار گرفته، موضوع پیشرفت های علمی بویژه در حوزه پزشکی است. استاد مطهری بر این نکته تاکید می کنند که پیشرفت علم از دو جهت بر افزایش جمعیت تاثیر داشته است. نخست؛ مبارزه با بیماری های خطرناک که باعث مرگ انسان و بویژه کودکان می شد و دوم، تغذیه سالم و بهداشتی. از دیدگاه ایشان اگرچه در گذشته کنترل موالید وجود نداشت و مردم تلاش می کردند فرزندان بیشتری داشته باشند، اما عوامل طبیعی مانند بیماری ها مانع از رشد بی رویه جمعیت می شد. در حالی که امروزه، با پیشرفت های پزشکی و مبارزه مؤثر با بیماری ها، جمعیت بشری به صورت فزاینده ای در حال افزایش است. (مطهری، ۱۳۹۷، ج ۳۱، ص ۱۳۹؛ ۱۳۸۸، ج ۱۳، ص ۸۱۹)

۳. نقد سیاست های استعماری و مکاتب غربی

۳/۱. کنترل موالید سیاستی استعماری

جمعیت از دیرباز به مثابه امری راهبردی در بین اندیشمندان جوامع مختلف مطرح بوده است. از نظر آنان جمعیت «مهم ترین وسیله برقراری امنیت سیاسی و نظامی جامعه» (تقوی، ۱۳۷۹، ص ۵۸) «شکوه و عظمت کشور» و «منبع سرشار تأمین نظامیان فراوان و شکست ناپذیر». (گولدستون و دیگران، ۱۳۹۵،

ص ۷۱-۷۲) به شمار می‌آید. کاهش فرزندآوری در غرب از سویی و گسترش سالمندی از سوی دیگر نگرانی‌هایی برای کشورهای غربی در مواجهه با کشورهای جهان سوم و به ویژه کشورهای اسلامی ایجاد کرد. (هانتینگتون، ۱۳۸۴، ص ۸) این موضوع، غرب را به اتخاذ سیاست تنظیم و در حقیقت کاهش جمعیت در سایر کشورها رهنمون کرد.

استاد مطهری با تأکید بر اینکه مسئله افزایش جمعیت و ضرورت کنترل آن در همه کشورها مصداق ندارد و برخی جوامع حتی با کمبود نیروی انسانی مواجهند، تبلیغات کاهش جمعیت را دارای ریشه‌های استعماری می‌داند. ایشان معتقدند اروپایی‌ها به حد مطلوب جمعیت خود رسیده‌اند و از آنجا که از منابع کشورهای آسیایی و آفریقایی بهره‌برداری می‌کنند، خواهان کاهش جمعیت در این قاره‌ها هستند تا سلطه اقتصادی خود را حفظ کنند. آنها از رسیدن جمعیت کشورها به سطح استاندارد و بهره‌مند شدن این ملت‌ها از مواهب طبیعی خودشان هراس دارند. (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۹، ص ۵۳۱-۵۳۲)

به باور ایشان، تبلیغات ضد فرزندآوری در رسانه‌ها که با عنوان «بمب جمعیت» از آن یاد می‌شود و موجب ایجاد تنفر از فرزندآوری در مردم می‌گردد، در کشورهای اسلامی صادق نیست. از نظر او کشورهای اسلامی هنوز به حد نصاب جمعیتی نرسیده‌اند و این رویکرد بخشی از توطئه‌های استعماری غرب است. غربی‌ها که خود به حد کافی جمعیت دارند، از طریق عوامل نفوذی در کشورهای اسلامی تبلیغات کاهش جمعیت را گسترش می‌دهند و شدیداً از افزایش جمعیت کشورهای اسلامی می‌ترسند، زیرا این امر به معنای پایان بهره‌کشی از منابع این کشورها خواهد بود. مطهری با اشاره به ظرفیت‌های کشورهای اسلامی مانند ایران، ترکیه، افغانستان و عراق می‌گوید هر یک از این کشورها توانایی تأمین معاش جمعیتی چندین برابر وضعیت فعلی را دارند. ایشان با استناد به تحقیقات علمی زمانه خویش درباره ایران معتقد است ایران ظرفیت تأمین معاش شصت میلیون نفر را دارد، در حالی که در حال حاضر حداکثر بیست و پنج میلیون نفر جمعیت دارد. (همان، ص ۵۳۲)

۳/۲. پیامدهای برنامه کنترل جمعیت برای بشریت

برنامه کنترل جمعیت از زمان آغاز تاکنون، از زوایای گوناگون مورد ارزیابی قرار گرفته است. استاد مطهری نیز به بررسی این برنامه پرداخته‌اند. از نظر او هر چند برنامه کنترل گاه یک ضرورت است اما عوارض

زیادی برای بشریت دارد. از این رو سوال می‌کنند که موضوع کنترل جمعیت از منظر مصلحت بشریت چگونه باید تحلیل شود؟ وی با استناد به سخنان الکسیس کارل، پاسخ می‌دهند که مسئله کنترل موالید با وضعی که امروز دارد، بشریت را به کلی از بین خواهد برد. مطهری ضمن پذیرش اصل پیامدهای منفی کنترل جمعیت اما استدلال کارل را بطور مطلق تایید نمی‌کنند. کارل معتقد بود در دوران پیشین کنترلی بفرآیند فرزندآوری وجود نداشت و خانواده‌ها فرزندان بسیاری به دنیا می‌آوردند. باین حال، محدودیت‌های علمی و مالی آن دوران اجازه بقا به همه کودکان را نمی‌داد. این روند به معنای عمل کردن قانون «تنازع بقا» و «انتخاب طبیعی» بود که در آن، افراد قوی‌تر شانس بقا می‌یافتند و افراد ضعیف‌تر محکوم به فنا بودند. اما با پیشرفت پزشکی، جلوی گسترش بیماری‌ها گرفته شد. این باعث می‌شد که گاه کودکی ضعیف به دنیا می‌آمد اما علم پزشکی با استفاده از دستگاه‌ها و داروهای خاص او را زنده نگه می‌داشت. از طرفی چون والدین تمایلی به داشتن فرزندان بیشتر نداشتند، از تولد فرزند بعدی جلوگیری می‌کردند. نتیجه نهایی این خواهد شد که نسل آینده به نسلی ضعیف تبدیل شود. حال باید پرسید: نسلی که از چنین افرادی پدید می‌آید، چه ویژگی‌هایی خواهد داشت؟ (همان، ص ۵۳۲-۵۳۳) این بدان معناست که بشریت نسل به نسل ضعیف‌تر شده و رو به سوی زوال و نابودی خواهد رفت.

۳/۳. تحدید نسل ثمره خروج خانواده کانون تربیت نسل

یکی پرسش‌های مهم در موضوع جمعیت، سوال از علل گرایش برخی جوامع به برنامه کنترل جمعیت است. بدون شک آن چه در آغاز به مثابه پاسخ رخ می‌نماید، سختی‌های اقتصادی و یا برگزیدن سیاست‌های جمعیتی است. با این همه اما، مساله قدری ژرف‌تر است.

مطهری در آسیب‌شناسی این گرایش بر خروج خانواده از کانون تربیت نسل تاکید دارند. از نظر او تشکیل خانواده از سه جهت لازم است: از جنبه اصلاح اخلاق، جلوگیری از عوارض روانی و اجتماعی نامطلوب و از نظر تأثیر عمیقی که در تربیت و اصلاح نسل آینده دارد. ایشان معتقدند پایه و اساس خانواده باید بر مبنای صمیمیت و وحدت باشد. از نظر وی به دنبال خروج خانواده از کانون پرورش نسل آینده و انتقال این وظیفه به دولت و تلقی مشارکت در منافع از زندگی خانوادگی، باعث شده تا برخی از فرزندآوری محروم و این امر به افراد معدودی که دارای ژن ممتاز می‌باشند، اختصاص یابد. (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۵،

۴/۳. تحلیل نظریه مالتوس و سیسموندی

یکی از نظریه های بدبین نسبت به افزایش جمعیت، نظریه مالتوس است. نظریه مالتوس هم از نظر علمی و هم از جهت عملی، پیامدهایی را به دنبال داشت. از نظر علمی، نظریه او نقطه عطفی در توجه اندیشمندان به موضوع جمعیت بود. از نظر عملی نیز، با ایجاد نگرانی هایی در بین مردم و حاکمان، زمینه را برای کنترل جمعیت فراهم آورد.

مطهری در آثار خویش به تحلیل نظریه مالتوس توجه نشان داده اند. وی این نظریه را چنین توصیف می کند که از این منظر قدرت تولید مثل در انسان به طور کلی بسیار زیاد است، به گونه ای که با تصاعد هندسی افزایش می یابد، اما منابع غذایی زمین نمی تواند پاسخگوی این رشد جمعیت باشد. همواره تعادل میان جمعیت انسان و منابع غذایی موجود از طریق قحطی ها، جنگ ها، بیماری های مسری و مانند آن برقرار می شود و اگر این عوامل نباشند، بشر از گرسنگی خواهد مرد. مالتوس پیشنهاد داد که از افزایش جمعیت جلوگیری شود تا منابع زمین کفایت کند. (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۱۷) توصیه مالتوس، خویشنداری جنسی از راه تجرد بود. (مطهری، ۱۴۰۱، ج ۳۳، ص ۲۹۰) مالتوس، انسان ها را مسئول این وضعیت بحرانی می دانست؛ چرا که نمی توانند شهوت های خود را کنترل کنند. او معتقد بود اگر مردم با شهوت رانی مبارزه کنند، چنین فاجعه ای رخ نخواهد داد. (مطهری، ۱۴۰۱، ج ۳۳، ص ۲۹۸)

مطهری در تحلیل استدلال های مالتوس اشاره می کند که اساس نظریه پردازی او بر این پیش فرض استوار بود که «جبر غریزه جنسی» را معادل «جبر تولید مثل» می پنداشت. به باور مالتوس، وجود غریزه جنسی لزوماً به معنای وقوع تولید مثل است. از دیدگاه او، هرگونه جلوگیری از این فرآیند، فسادآمیز محسوب می شود؛ و چون نمی خواهیم فساد را بپذیریم، ناگزیر باید غریزه جنسی را مساوی با تولید مثل بدانیم. (مطهری، ۱۴۰۱، ج ۳۳، ص ۲۹۲) مالتوس همچنین فرض می کرد که میل طبیعی به فرزندآوری امری گریزناپذیر است و از سوی دیگر، با توجه به مسیحی بودن تمام افراد جامعه، هیچ کس مانع تولید مثل نمی شود. این روند را به کارکرد بی وقفه یک دستگاه جوجه کشی تشبیه می کرد که اگر بدون کنترل ادامه یابد، رشد جمعیت به صورت تصاعدی افزایش خواهد یافت. (مطهری، ۱۴۰۱، ج ۳۳، ص ۲۹۴).

استاد مطهری در مرحله بعد به نقد استدلال محوری مالتوس پرداخته و بر این باور است که ضعف

نخست نظریه این است که او «جبر غریزه جنسی» و «جبر توالد و تناسل» را یکی پنداشته است. درحالی که چنین نیست. همان‌گونه که اصل غریزه جنسی امری غیرقابل مقاومت است، میل کلی به فرزنددار شدن نیز چنین است. اما این که هرچه میل به فرزند بیشتر باشد بهتر است، صحیح نیست؛ به همین دلیل بسیاری از افراد به دو فرزند قناعت کرده و هیچ تمایلی به شمار بیشتر نداشته و از آن جلوگیری می‌کنند. (مطهری، ۱۴۰۱، ج ۳۳، ص ۲۹۰) یعنی آن حرصی که انسان برای ثروتمند شدن هر چه بیشتر دارد؛ در فرزنددار شدن نیست. (مطهری، ۱۴۰۱، ج ۳۳، ص ۲۹۳)

نقد دیگر مطهری این است که مالتوس به عامل «رفاه» توجه کافی نداشته است. در واقع، افزایش سطح رفاه به هر میزان، موجب کاهش تمایل به فرزندآوری می‌شود؛ چرا که با بهبود شرایط زندگی و کاهش دشواری‌ها، افراد بیشتر به کیفیت زندگی شخصی خود توجه نشان می‌دهند. این تمرکز بر خود و رفاه فردی، به تدریج از شدت عواطف و تمایلات فرزندآوری می‌کاهد. (مطهری، ۱۴۰۱، ج ۳۳، ص ۲۹۴)

نقد سوم درباره نقش طبیعت در تنظیم جمعیت است. مطهری معتقد است طبیعت خود در کاهش تمایلات تولیدمثل نقش فعال دارد. به استناد دیدگاه دورانت، ایشان توضیح می‌دهند هنگامی که نسلی به فساد کشیده می‌شود، گاه طبیعت به سراغ نسل‌های سالم می‌رود و بقای خود را از طریق آنها تأمین می‌کند. به عبارت دیگر، وقتی گروهی از انسان‌ها به سوی انحطاط اخلاقی پیش می‌روند، بی‌میلی آنان به فرزندآوری، در حقیقت تدبیر پنهان نظام طبیعت است تا این نسل منحل شود. (مطهری، ۱۴۰۱، ج ۳۳، ص ۲۹۶) این بدان معناست که طبیعت به شکلی هوشمندانه، از تداوم نسل‌های فاسد چشم‌پوشی می‌کند و بقای گونه‌ی انسانی را به نسل‌های سالم‌تر می‌سپارد. در این فرآیند، حتی تمایل طبیعی این افراد به تولیدمثل نیز به تدریج تحلیل رفته و از بین می‌رود. آنگاه شاید نیاز باشد جامعه به اجبار، افراد را به فرزندآوری وادار کند تا از انقراض نسل بشر جلوگیری شود. (مطهری، ۱۴۰۱، ج ۳۳، ص ۲۹۲)

تحلیل‌های اقتصاد اسلامی در زمینه جمعیت، بر تعهد به ارزش‌های دینی تأکید دارد. آموزه‌های اسلامی تأکید می‌کنند که رزاقیت خداوند متضمن تأمین نیازهای انسان‌ها است. افزایش جمعیت نه تنها مایه فقر نمی‌شود، بلکه زمینه افزایش روزی را نیز فراهم می‌آورد. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۸ق، ج ۱۸، ص ۳۳۷) تشکیل خانواده سبب افزایش روزی (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۲۹) و ترک ازدواج به خاطر ترس از فقر، نشانه بدگمانی به خدا (همان،

ص ۳۳۰) تلقی شده است. در آیات قرآن نیز تأکید شده که خداوند متکفل تأمین روزی فرزندان است و نباید به خاطر داشتن فرزند زیاد از فقر ترسید. (سوره اسراء، آیه ۳۱)

مطهری مبتنی بر همین اساس به نقد رویکرد بدبینانه به افزایش جمعیت می‌پردازد. وی با استناد به برخی از روایات عصر ظهور بر این باور است که ظرفیت بهره‌وری از زمین و منابع آن بیش از آن چیزی است که بشر تاکنون بدان پی برده است. از نظر او زمین منابع نیرو و ذخیره زیادی دارد (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۴۹) اما دانش بشر هنوز به گستره وسیع و استعداد پایان ناپذیر آن دست نیافته است. او با نقل ادعای برخی از جمعیت‌شناسان که قدرت زمین در تغذیه بشر را محدود می‌دانستند، با اشاره روایات عصر ظهور می‌نویسد: «می‌گویید چهار پنج میلیارد جمعیت زیاد است؟ نه بیش از اینها میتواند در خود جا دهد. زمین حداکثر نیرویی را که دارد، گنج‌های مدفونی را که دارد در اختیار بشر می‌گذارد؛ آسمان برکاتش را می‌بارد». (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۴۹)

وی بر این باور است که منابع برای تأمین نیازهای غذایی بشر همواره کافی بوده و خواهد بود. این ادعای مالتوس صرفاً یک فرضیه بی‌اساس است که تاکنون محقق نشده است. در طول تاریخ چنین اتفاقی (کمبود مطلق منابع) رخ نداده و در آینده هم ممکن نیست که جمعیت به حدی برسد که مردم صرفاً به دلیل کمبود منابع غذایی از بین بروند. (مطهری، ۱۴۰۱، ج ۳۳، ص ۳۰۶)

استاد مطهری به مقایسه نظریه مالتوس^۱ و سیسموندی^۲ در خصوص رابطه جمعیت و فقر پرداخته و معتقد است که نظریه سیسموندی با نظریه مالتوس درباره جمعیت موافق نیست و جمعیت را تابع مواد غذایی نمی‌داند بلکه از نگاه او، جمعیت تابع خواست سرمایه‌داران است که آن را بر اساس منافع خود افزایش یا محدود می‌کنند. منفعت آنان در این است که جمعیت را کنترل کنند تا بتوانند حداکثر سود را به دست آورند. نظریه سیسموندی در واقع همان نظریه آدام اسمیت است که بر طبق آن افراد انسانی مانند کالا به تناسب نیاز تولید، کم و یا زیاد می‌شوند. (مطهری، ۱۴۰۱، ج ۳۳، ص ۴۶۵) این بدان معناست که از نظر سیسموندی نه صرف افزایش جمعیت بلکه فقر اجتماعی باعث افزایش جمعیت است. اگر حاکمیت ثروت را عادلانه

¹ Malthus

² Sismondi

توزیع کند جمعیت افزایش مخاطره‌آمیز نخواهد داشت.

۳/۵ ازدیاد جمعیت، مساله غرب

مساله‌گی ازدیاد جمعیت، از کجا آغاز شد؟ آیا جمعیت و کثرت آن امروز مساله همه کشورهاست؟ استاد مطهری در پاسخ بر دو نکته تاکید دارند: نخست این که مسئله ازدیاد نفوس در جهان امروز يك مسئله جدید است که جهان با آن روبروست. زیرا در گذشته اولاً مردم به پیامدهای آن پی نبرده بودند و ثانیاً افزایش جمعیت خطری محسوب نمی‌شد، چراکه مرگ‌ومیرهای طبیعی موجب تعدیل جمعیت می‌شد. اما امروزه این تعادل طبیعی وجود ندارد و شرایط کاملاً متفاوت شده است. (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۹، ص ۵۳۰) نکته دوم این که کثرت جمعیت، امروزه به صورت واقعی برای همه کشورها مساله نیست بلکه مساله‌گی آن در آغاز از سوی غربی‌ها مطرح شد. گرچه گفته می‌شود که در طول یک قرن اخیر، جمعیت برخی کشورهای اروپایی تا سه برابر افزایش یافته، اما در دهه‌های گذشته، این کشورها موفق به تثبیت نرخ رشد جمعیت شده‌اند. زیرا در کشورهای اروپایی عقیده بر این بود که جمعیت موجود، حدّ نصاب جمعیت‌شان است. غرب ثبات جمعیت را از طریق کنترل موالید انجام داد. زیرا علم پزشکی پیشرفت کرده بود و مرگ و میرهایی که به وسیله بیماری‌ها گریبان‌گیر بشر می‌شد و از شمار جمعیت می‌کاست امروزه دیگر وجود ندارد. در نتیجه، اگر پزشکان به فعالیت‌های خود ادامه دهند و انسان‌ها نیز بدون محدودیت به فرزندآوری بپردازند و جمعیت افزایش یابد، آینده‌ای مطلوب شکل نخواهد گرفت. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که از افزایش بی‌رویه فرزندآوری جلوگیری شود و خانواده‌ها موظف گردند بیش از دو یا سه فرزند نداشته باشند. (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۹، ص ۵۳۰) و این نقطه آغاز تدوین و توسعه برنامه تنظیم خانواده از سوی غرب در سایر کشورها نیز بود.

۴. مبانی دینی فرزندآوری

۴/۱. فطری بودن علاقه به فرزند

یکی از مباحثی که بین اندیشمندان مورد بحث و نظر قرار گرفته، موضوع فطری بودن علاقه به فرزند داشتن است. فمینیست‌ها بویژه در قرائت‌های رادیکال‌تر ضمن انکار غریزه در ساحت انسانی، فطری بودن علاقه به فرزندآوری را ناشی از نوع جامعه‌پذیری معرفی می‌کنند. (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷، ص ۳۱۱) استاد

مطهری اذعان دارند که علاقه به تشکیل خانواده و فرزند داشتن، علاقه‌ای فطری است. از نظر وی میل به فرزندآوری و تداوم نسل، غریزه‌ای ذاتی در انسان است. انسان فرزند را ادامه‌دهنده وجود خود می‌پندارد؛ گویی با فرزنددار شدن، بقای خویش را تضمین می‌کند. بی‌فرزندگی به معنای قطع این پیوند وجودی است. همان‌گونه که انسان می‌خواهد ریشه‌های گذشته خود را بشناسد، نمی‌تواند نسبت به آینده و ادامه نسلش بی‌تفاوت باشد. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۸۶) ایشان معتقدند که همه میل‌های طبیعی انسان همچون میل و علاقه به فرزند دارای حکمت است. از نظر او یکی از حکمت‌های بزرگ این میل، استمرار زندگی بشر است و بدون آنها اساس زندگی بشر از هم پاشیده می‌شود. (مطهری، ۱۳۹۷، ج ۳۰، ص ۹۵؛ ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۲۲۴)

مطهری، در یک تقسیم‌بندی، عوامل گرداننده تاریخ را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: عوامل ثابت و عوامل غیر ثابت. به نظر ایشان، اگر عوامل محرک تاریخ ثابت باشند، نتایج حاصل از آنها نیز به صورت جبری تداوم خواهد یافت؛ اما اگر این عوامل ناپایدار باشند، آثارشان نیز ناپایدار خواهد بود. ایشان عامل خانوادگی و جنسی را به عنوان یکی از این محرک‌های تاریخی معرفی می‌کنند که ویژگی ذاتی آن ثبات و پایداری است. همین ویژگی است که همواره انسان را به سوی تشکیل خانواده، انتخاب همسر و فرزندآوری سوق داده است. ایشان معتقدند این ویژگی و امتداد طبیعی آن در طول تاریخ باعث شده که نهضت‌های مخالف نهاد خانواده با شکست مواجه شوند، چرا که در تقابل با جبر تاریخی عمل می‌کرده‌اند. جبر تاریخی ایجاب می‌کرده که نهاد خانواده به عنوان یک ساختار پایدار باقی بماند. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۸۱)

استاد مطهری اذعان می‌کنند که اگرچه برخی ممکن است در «مدنی بالطبع» بودن انسان تردید داشته باشند، اما در طبیعی بودن زندگی خانوادگی (زندگی منزلی) او هیچ شکی نمی‌توان داشت. ایشان با استناد به مشاهدات طبیعی تأکید می‌کنند که حتی بسیاری از حیوانات که از زندگی اجتماعی طبیعی محروم هستند، دارای نوعی زندگی زناشویی طبیعی می‌باشند؛ همانند کبوتران و برخی حشرات که به صورت جفتی زندگی می‌کنند. از منظر ایشان، زندگی خانوادگی ماهیتی کاملاً متمایز از زندگی اجتماعی دارد. در نظام طبیعت، تمهیداتی تعبیه شده است که به طور طبیعی، انسان و برخی گونه‌های حیوانی را به سمت زندگی خانوادگی و میل به فرزندآوری سوق می‌دهد. این گرایش ذاتی چنان عمیق است که می‌توان آن را به عنوان یکی از قوانین پایدار طبیعت در نظر گرفت. (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۱۶۴) «اگر علاقه مفرط بشر به فرزند نبود احدی

اقدام به تناسل و حفظ نسل نمی‌کرد.» (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۴۱۵)

ایشان تمایل و علاقه به فرزند را یکی از شاهکارهای خلقت برای استمرار نسل و خدمت به آن دانسته و به تبیین این حقیقت هستی‌شناختی می‌پردازند که اگر این میل فطری به خانواده و فرزندآوری در موجودات نبود، استمرار خلقت امکان‌پذیر نمی‌شد. در این نظام حکیمانه، این گرایش حیات‌بخش به صورت «امری شیرین و لذت‌بخش» در نهاد تمامی موجودات قرار داده شده است. تا هر نسلی در خدمت نسل آینده خویش باشد و از این خدمت نیز لذت ببرد. (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۶۱) مطهری برای تأکید بر ریشه‌دار بودن این علاقه در سرشت انسانی بر این نکته اذعان می‌کنند که طبیعت این علاقه را تنها در نسل قبلی قرار نداده بلکه در انسان، نسل بعد را نیز به نسل پیشین علاقه‌مند گردانیده است، اما نه به آن شدت که گذشته را به آینده علاقه‌مند کرده است. این علاقه‌ها رمز پیوند هاست. (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۶۱)

ایشان در تبارشناسی علاقه به فرزند، آن را ناشی از دسته‌ای از غرایز و فطریات در ناحیه میل‌ها می‌دانند که منجر به لذت روحی می‌شوند. وی با تمایز قائل شدن بین «میل به فرزند» و «میل به غریزه جنسی» و تعریف هویتی مستقل برای میل به فرزندخواهی؛ معتقد است که میل به فرزندآوری در نهاد هر فردی نهفته است، اما لذت ناشی از آن، ماهیتی کاملاً متمایز از سایر لذایذ دارد. این لذت مانند لذت‌های مادی وابسته به هیچ عضو یا دستگاه جسمانی نیست. این نوع از غرایز (مثل غریزه فرزندآوری) در روان‌شناسی نیز مورد تأیید قرار گرفته و از آن تحت عنوان «امور روحی» یاد شده و لذات ناشی از اینها را نیز «لذات روحی» می‌نامند. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۴۸۴)

مطهری رابطه بین والدین و فرزندان را رابطه‌ای طبیعی و مبتنی بر میل فطری و عاری از هرگونه چشمداشت‌های اقتصادی و اجتماعی دانسته و معتقد است علاقه میان اعضای خانواده به ویژه بین پدر و فرزند، علاقه‌ای کاملاً طبیعی و فطری است که ریشه در نیاز ذاتی آنها به یکدیگر دارد، نه صرفاً همکاری‌های عملی. این رابطه برخلاف روابط اجتماعی که مبتنی بر حسابگری، حزب‌گرایی یا همکاری‌های قراردادی است، از جنس دیگری است. پدر به طور طبیعی از آسایش خود می‌گذرد تا فرزندش را داشته باشد، اما این داشتن مانند مالکیت اشیاء مادی نیست که صرفاً برای بهره‌برداری شخصی باشد، بلکه پدر هم خود فرزند را می‌خواهد و هم خوشبختی او را جزئی از وجود خود می‌داند. (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۱۴۸) مطهری با نگاهی عمیق به تحلیل رابطه پدر و فرزند می‌پردازد و بیان می‌دارد که سعادت واقعی پدر به وجود فرزند و

سعادت او گره خورده است. این پیوند چنان عمیق است که طبیعت به شیوه‌ای حکیمانه، امکان ظلم عمدی پدر به فرزند را محدود ساخته است. از دیدگاه ایشان، هرگونه ستم پدر نسبت به فرزند در حقیقت ظلم به خویشتن محسوب می‌شود، همان‌گونه که انسان به دلیل باورهای خرافی یا نادانی، ممکن است به جسم و روان خود آسیب برساند. (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۱۴۸) این نگاه نشان‌دهنده آن است که در طراحی حکیمانه نظام آفرینش، منافع پدر و فرزند چنان در هم تنیده شده که هرگونه تعدی به فرزند، در نهایت به زیان خود پدر تمام خواهد شد.

۴/۲. الزام پیروی از غریزه فرزندآوری

انسان از بدو آفرینش، به نظامی از غرایز گوناگون مجهز شده است. فلسفه وجودی این غرایز آن است که انسان را به سوی هدف خلقتش، راهبری کند. مطهری با نگاهی متعادل به مسئله غرایز انسانی نگریده و معتقدند انسان هرچند محکوم به پیروی کورکورانه از غرایز خود نیست، اما نمی‌تواند وجود این غرایز را نادیده بگیرد. از دیدگاه ایشان، غرایز انسانی به گونه‌ای حکیمانه در وجود انسان تعبیه شده‌اند که نه می‌توان آنها را انکار و نه می‌توان به حال خود رهاشان نمود. نکته کلیدی در اندیشه ایشان این است که مواجهه صحیح با غرایز، نه در نفی و سرکوب کامل آنهاست و نه در پیروی بی‌قید و شرط از آنها، بلکه در «اصلاح، تعدیل و رهبری» این نیروهای درونی است. استاد مطهری، یکی از غرایز مهم انسانی را غریزه فرزندخواهی و تمایل به فرزند دانسته و آن را یکی از شاهکارهای خلقت معرفی می‌کند. از نظر ایشان اگر این تمایل در وجود بشر نبود، خلقت استمرار نمی‌یافت. (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۶۱)

۴/۳. ارزشمندی نقش مادری

نگرش منفی و یا مثبت به پدیده‌های پیرامون، درگرایش به آنها نقش دارد. مفهوم مادری از جمله مفاهیمی است که واکنش‌های متفاوتی را در زنان بر می‌انگیزاند. برخی آن را امری لذت‌بخش دانسته و بدان تمایل دارند. اما برخی دیگر آن را به مثابه عامل فرودستی زن دانسته و تمایلی به آن ندارند. نوع نگرش به مادری در انگیزه‌مندی زنان برای تجربه مادری، ایفای نقش می‌کند.

علامه مطهری با تأکید بر نقش مادری در تحولات جمعیتی و ضرورت تقویت این جایگاه، معتقدند مادری صرفاً پیامد اجتناب‌ناپذیر یک فرآیند طبیعی نیست، بلکه از منظر اجتماعی سه مؤلفه و وظیفه مادری،

حقوق مادری و مقام مادری از اهمیت بنیادینی برخوردارند. از جنبه فردی و طبیعی نیز لذت مادری تجربه‌ای ناب، ژرف و روح‌افزاست که متأسفانه در دوران معاصر این موهبت اصیل انسانی به فراموشی سپرده شده و جای خود را به لذات مادی و زودگذر داده است. ایشان در تحلیل این غفلت تاریخی اشاره می‌کنند که وظیفه، حقوق و لذت مادری از سوی مادران، مقام مادری از نگاه فرزندان و خود زنان، و مهر مادری از منظر جامعه و اندیشمندان اجتماعی همگی مورد کم‌مهری و حتی تحقیر قرار گرفته‌اند. به‌ویژه آنکه لذت مادری نیز نزد بسیاری از مادران ناشناخته، کم‌ارزش و بی‌اعتبار شمرده می‌شود؛ همان‌گونه که رهبران فکری و اجتماعی نیز نسبت به قداست این عاطفه بی‌توجهی نشان داده‌اند. (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۲۸-۲۹)

مطهری با تأکید بر ضرورت شناخت فلسفه مادری برای ارتقای جایگاه آن در جامعه، معتقدند این شناخت مستلزم درک جنبه‌های فردی و اجتماعی مادری است. از دیدگاه ایشان، باید تأثیرات طبیعی مادری (بر مادر و فرزند) و آثار اجتماعی آن (در اصلاح یا انحطاط نسل و پرورش روحی فرزندان) را به طور جامع بررسی کرد. ایشان تصریح می‌کنند که برای مهر مادری باید فلسفه‌ای عمیق قائل شد و آن را صرفاً محدود به پرورش جسمانی فرزند ندانست، بلکه باید جنبه عمومی و اجتماعی آن را نیز در نظر گرفت و آن را مقدمه‌ای اساسی برای پرورش عاطفی و روحی فرزند در بستر جامعه تلقی کرد. وی بر این باور است که تأکید بر اهمیت مادری بدین معنا نیست که وظیفه زن از نظر اجتماعی منحصر در مادری است. اسلام زن را در بسیاری از مسائل اجتماعی همدوش مرد قرار داده است. زن غیر از مادری هم وظایفی دارد مثل امر به معروف و نهی از منکر، بلکه منظور این است که مادری، خود مهمترین وظیفه و جایگاه اجتماعی است و باید در درجه اول وظایف و مقامات اجتماعی زن قرار بگیرد. (همان، ص ۲۹)

۴/۴. رابطه تعدد زوجات و فرزندآوری

چند همسری در قالب چندزنی، عمری به درازی زندگی بشر دارد. در فرهنگ‌های مختلف به دلایل گوناگون، مردان مجاز بودند تا با بیش از یک زن پیمان زناشویی ببندند.

مطهری در تحلیل فلسفه تعدد زوجات مهمترین علت پیدایش آن را فزونی عدد زنان بر مردان دانسته (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۳۲۳) و به نقل از دورانت بر این نکته تأکید دارند که به دلیل اشتغال مردان به جنگ و شکار، زندگی مرد بیشتر در معرض خطر بود. به همین جهت مرگ و میر مردان بیشتر از زنان بود. از

طرفی فزونی عده زنان بر مردان سبب می‌شد که تعدد زوجات رواج یابد. ایشان با اشاره به شرایط خاص جوامع ابتدایی که با مرگ و میر فراوان مردان به ویژه در جنگ‌ها و حوادث طبیعی مواجه بودند، توضیح می‌دهند که در چنین شرایطی که تعداد زنان بر مردان فزونی داشت، تعدد زوجات راه حلی منطقی برای حل دو مسئله اساسی بود: نخست آنکه از ماندن عده‌ای از زنان بدون همسر و در نتیجه کاهش نرخ تولید مثل جلوگیری می‌کرد و دوم آنکه از حیث بهبود نسل، این نظام بر تک‌همسری فعلی ترجیح داشت، چرا که در جوامع گذشته مردان توانا تر به بهترین زنان دست می‌یافتند و فرزندان بیشتری تولید می‌کردند، در حالی که در نظام جدید مردان توانمند معمولاً دیر ازدواج می‌کنند و فرزندان کمتری دارند. به همین دلیل بود که این نظام نه فقط در جوامع ابتدایی، بلکه در تمدن‌های پیشرفته نیز قرن‌ها تداوم یافت و تنها در دوره معاصر است که به تدریج در حال افول بوده و در حال رخت بستن از کشورهای شرقی است. (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۳۰۴)

مطهری در تحلیل علل گرایش به تعدد زوجات در جوامع سنتی بر علاقه به کثرت فرزند و توسعه نفوس فامیل به مثابه عامل دیگر تأکید می‌کند. از نظر او یکی از وجوه تمایز اساسی بین زن و مرد این است که تعداد فرزندانی که یک زن می‌تواند به دنیا آورد بسیار محدود است، در حالی که تعداد فرزندان مرد به تعداد همسرانش بستگی دارد. یک مرد می‌تواند با ازدواج با صدها زن، هزاران فرزند تولید کند. ایشان با تحلیل شرایط اجتماعی دنیای قدیم خاطرنشان می‌سازند که در گذشته برخلاف امروز، شمار افراد و عشیره از عوامل مهم اجتماعی محسوب می‌شده و قبایل و طوایف از هر وسیله‌ای برای افزایش جمعیت و جلوگیری از کاهش آن استفاده می‌کرده‌اند. در آن دوران، کثرت جمعیت قبیله مایه افتخار بود و بدیهی است که تعدد زوجات تنها راهکار ممکن برای تحقق این هدف به شمار می‌رفته است. (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۳۲۳)

استاد مطهری در تحلیل سومین علت گرایش به چند همسری به محدودیت سن زن از نظر تولید فرزند و رسیدن به «یائسگی» اشاره می‌کنند. تحلیل ایشان این است که در موارد بسیاری، زنان به سن یائسگی می‌رسیدند در حالی که یا فرزندان کافی برای مرد نیاورده بودند یا فرزندان موجود از بین رفته بودند. در چنین شرایطی، میل طبیعی مرد به داشتن فرزند از یک سو و عدم تمایل او به طلاق همسر اول از سوی دیگر، او را به سمت ازدواج مجدد سوق می‌داده است. همچنین نازا بودن زن اول نیز به عنوان عامل دیگری موجب

روآوردن مرد به ازدواج دوم می‌شده است. (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۳۲۲)

۴/۵. تقوا عامل زیاد شدن جمعیت

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری یکی از گونه‌های پایش و افزایش جمعیت و جلوگیری از کاهش آن به شمار می‌آید. اما این بدان معنا نیست که امور معنوی تأثیری در وضعیت جمعیت‌ها نداشته باشند. از نظر مطهری یکی از عوامل معنوی برای افزایش جمعیت و پیشرفت تمدنی یک ملت، تقوا است. ایشان بر اساس آیات قرآن بر این باورند که اگر مردمی اهل تقوا باشند خدا در نعمت‌ها را از زمین و آسمان بر آنان باز می‌کند، باران فراوان بر آنان می‌ریزد و مال و ثروتشان را افزون و فرزندان و جمعیتشان زیاد می‌کند. آبادانی پیدا می‌کنند و به تمدنی عالی می‌رسند که از رفاه کامل برخوردار باشند. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۷، ص ۷۶۴)

۴/۶. متغیر بودن نیاز جامعه به جمعیت

یکی از موضوعات مهم در جمعیت پژوهی متغیر بودن الگوی نیاز جامعه به جمعیت است. الگوها اغلب بیانگر وضعیت مطلوب و نقاط آرمانی زندگی انسان‌هاست، اما وضعیت آرمانی را در یک مقطع تاریخی و جغرافیایی خاص به تصویر می‌کشند. ظرفیت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هر جامعه ممکن است از مقطع پیشین متفاوت باشد. وقتی موضوع و مساله تغییر می‌کند، الگو نیز دگرگون می‌شود. (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷، ص ۳۷۲) به عنوان مثال در یک جامعه، روزی کاهش باروری و روز دیگر افزایش آن ممکن است مسئله باشد. پس نمی‌توان به ازلی و ابدی بودن الگوها معتقد بود.

بر این اساس، مطهری بر این باورند که قوانین اجتماعی و دینی مسائلی قراردادی هستند. ملاک تغییر و ثبات قوانین همان ملاک وضع قوانین است. ملاک وضع قوانین، نیاز بشر به قانون است. انسان‌ها در ساحت روابط اجتماعی با یکدیگر، در عرصه روابط بشر با خود، خدا و طبیعت همیشه نیازمند قانون هستند. از نظر او نیاز بشر به قانون و ملاک ثبات و تغییر آن به صورت ویژه در روابط اجتماعی با تکامل جامعه - که ناشی از فزونی جمعیت، تکامل صنعت یا تکامل علوم است - اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. «مثلاً در يك زمان نیاز به افراد زیاد است و قانون باید حامی تکثیر موالید باشد، در زمان دیگر قانون باید حامی جلوگیری از تکثیر موالید باشد.» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۲۱۸) در چنین دیدگاه‌هایی، اگر افزایش جمعیت منجر به بروز بیماری‌ها، اختلال در زندگی والدین یا فرزندان، یا بی‌نظمی‌های اجتماعی شود، مزیت‌های خود را تا زمانی

که این شرایط پابرجاست از دست خواهد داد. (خرازی، ۱۳۷۹، ص ۵۱)

۵. کارکردهای فرزندآوری

۵/۱. فرزند سرمایه زندگی

یکی از راهکارهای شناخت پدیده‌ها، برشمردن کارکردهای مثبت آن در ساحت‌های مختلف زندگی است. جمعیت زیاد کارکردهای مثبت بسیاری دارد که مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. مطهری با تفتن به این موضوع برخی آثار مهم فزونی جمعیت را مورد توجه قرار داده‌اند. از نظر او فرزند سرمایه انسان است. وی با نگاهی جامع به مفهوم سرمایه می‌نگرند و معتقدند سرمایه تنها به مال و ثروت مادی محدود نمی‌شود. از دیدگاه ایشان، ازدواج، همسر، فرزندان و کانون خانوادگی، سرمایه‌های واقعی انسان محسوب می‌شوند. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۱۴) وی با تحلیل چندبعدی مسئله نفوس و مولید، به تبیین کارکردهای مثبت افزایش جمعیت در سطوح مختلف می‌پردازند: از جنبه سلامت جسمانی شامل تندرستی مادران و فرزندان؛ از منظر روان‌شناختی با بررسی آثار روانی کثرت اولاد؛ در بعد تربیتی با توجه به مسئله بهداشت و تربیت فرزندان؛ در سطح اقتصادی با در نظر گرفتن ثروت خانوادگی و اجتماعی؛ در حوزه سیاست بین‌الملل با تأثیر بر صلح و جنگ جهانی؛ و سرانجام در زمینه بهبود نژاد. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۲۵۲)

۵/۲. فرزندآوری عامل بقا نوع

یکی از کارکردهای مهم فرزندآوری، بقا نوع بشر است. بدون تولید مثل، هرگونه‌ای محکوم به انقراض خواهد بود. پس فرزندآوری نه تنها یک گزینه طبیعی بلکه یک ضرورت بیولوژیکی برای بقای نوع انسان است. علامه مطهری با پیوند زدن این موضوع به رزق و روزی و با اشاره به آیه «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمَّا لَقِیْنَا نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاكُمْ» بر این باور است که فرد که روزی داده می‌شود، برای این است که نوع باقی بماند. بیان ایه در مورد فرد است، ولی آنچه که هدف خلقت است، بقای نوع است. (مطهری، ۱۴۰۱، ج ۳۳، ص ۳۰۵) آن‌ها تصور می‌کردند با کشتن فرزندان، از کمبود منابع جلوگیری می‌کنند و بقای خود را تضمین می‌کنند، در حالی که این عمل، نقض گزینه بقا و حکمت الهی بود.

۵/۳. تأثیر فرزند بر شخصیت والدین

فرزندآوری، تجربه‌ای شیرین و دگرگون‌کننده در زندگی انسان است. اغلب، بر تأثیر والدین بر فرزندان

تمرکز می‌شود، اما نباید از نقش معکوس این رابطه غافل شد. فرزندان، صرفاً دریافت‌کننده‌های تربیت نیستند؛ بلکه به عنوان واسطه‌ای عمل می‌کنند که شخصیت، ارزش‌ها و حتی جهان‌بینی والدین را متحول می‌سازد. ورود فرزند به زندگی، والدین را با مسئولیت‌های جدید، احساسات نو و نیازهای پیچیده‌ای مواجه می‌کند که آن‌ها را وادار به بازنگری در خود و تغییر رفتارهای‌شان می‌کند. این تغییرات می‌توانند در ابعاد مختلف شخصیتی از جمله صبر، همدلی، مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری و اخلاقیات نمود پیدا کنند. این تأثیرات نه تنها بر رشد فردی والدین، بلکه بر کیفیت روابط خانوادگی و نسل‌های بعدی نیز اثرگذارند.

مطهری با اشاره به رابطه علیت والدین برای فرزندان، معتقدند که فرزند در همان حالی که پدیده‌ای است ناشی از وجود پدر، به وجود آمدنش روی پدر اثر می‌گذارد. این همان چیزی گفته که می‌شود اگر انسان پدر بشود تغییر کیفیت و تغییر ماهیت می‌دهد. یعنی داشتن فرزند هم به نوبه خود یک سلسله آثار روی پدر می‌گذارد. (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۳۸۳) این بدان معناست که تجربه پدری و مادری، صرفاً یک رنج برای والدین نیست بلکه آنان در این فرایند «شدن» مستمر، به تکامل شخصیتی خود شکل داده و به رشد فردی و اجتماعی دست می‌یابند.

۵/۴. کارکرد معنوی فرزندان

کارکردهای فرزند، منحصر در کارکردهای مادی نیست بلکه بخشی از کارکردها جنبه معنوی دارد. علامه مطهری با پی‌جویی این دسته از کارکردها، اشاره می‌کنند که بر اساس روایات، وقتی انسان‌ها از دنیا بروند رابطه آنان با عمل‌شان قطع می‌شود مگر در سه گروه از مردم؛ نخست درباره «صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ» مثلاً کار خیری انجام بدهد که بعد از مردن او هم آن کار خیر جریان دارد. دوم؛ برجای گذاشتن یک برگ دانش مفید؛ سوم؛ تربیت فرزند صالحی که بعد از او برایش استغفار می‌کند. ایشان برای تأیید تأثیر کار خیر فرزند بر موقعیت شخص در جهان دیگر به روایتی استناد می‌کنند که بر اساس آن، عیسی (ع) هنگام عبور از قبرستانی با چشم ملکوتی مشاهده می‌کنند که فردی در عذاب است، اما در گذر بعدی می‌بینند که عذاب از او برداشته شده است. به ایشان وحی می‌شود که این شخص فرزندی از خود به جای گذاشته که دو کار نیک انجام داده است: نخست آنکه یتیمی را پناه داده و دوم آنکه راهی ناهموار را اصلاح کرده است. به پاداش این اعمال نیک فرزند، خداوند عذاب پدر را برمی‌دارد. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۷، ص ۵۸۰) این نشان از کارکرد معنوی فرزند برای

والدین حتی پس از مرگ آنان است.

۵/۵. کارکرد کمال‌آفرینی فرزندآوری برای مادر

یکی از کارکردهای مهم فرزندآوری، رشد شخصیت مادر است. استاد مطهری به تحلیل تأثیر محبت مادری پرداخته و بیان می‌کنند که این محبت نه تنها برای رشد و پرورش فرزند ضروری است، بلکه دگرگونی‌های شگرفی نیز در وجود خود مادریجاد می‌کند. از دیدگاه ایشان، محبت مادری روح مادر را هوشیار، از رخوت خارج و فضیلت‌هایی چون شجاعت، بخشندگی و فداکاری را در وجودش پرورش می‌دهد. نکته قابل تأمل این است که این تحول وجودی مختص انسان نیست. ایشان برای اثبات این مدعا به تغییر رفتار مرغ خانگی اشاره می‌کنند که در شرایط عادی، حیوانی ترسو و منفعل و تمام همش جمع‌آوری دانه و تأمین معاش است، اما وقتی محبت مادری در او بیدار می‌شود، به موجودی شجاع، بخشنده و فداکار تبدیل می‌شود. این دگرگونی چنان عمیق است که حتی در نگاه‌های هشیارانه و مراقبتی او و نیز در حرکات و رفتارهای شجاعانه‌اش آثار شگفت‌انگیز محبت مادری به روشنی قابل مشاهده است. (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۲۸)

۶. شبهه زدایی

۶/۱. استثمار عامل فقر و نه جمعیت

یکی از مجادلاتی که بین جمعیت‌پژوهان وجود دارد موضوع رابطه بین جمعیت و فقر است. برخی را اعتقاد بر این است که از یاد جمعیت زمینه‌ساز فقر و ناداری است. تبار این نظرگاه را می‌توان در اندیشه مالتوس به روشنی پی جست. برخی دیگر از اندیشمندان با نقد اندیشه مالتوس، فقر را نه نتیجه جمعیت زیاد بلکه محصول گسترش بی‌عدالتی در جهان می‌دانند. درواقع مشکل اساسی جمعیت نیست، بلکه مدیریت اقتصاد است.

مطهری با استناد به آمارهای کتاب «انسان گرسنه» اثر دوکاسترو^۱، مسئله گرسنگی بشر را یکی از معضلات اساسی جهان معاصر می‌داند. ایشان با اشاره به ظرفیت زمین برای تأمین غذای ۱۵ میلیارد نفر، در

¹ . de Castro

حالی که جمعیت جهان در زمان وی تنها ۴ میلیارد نفر بوده است، به تناقض موجود اشاره می‌کنند: در حالی که جهان ظرفیت سیر کردن همگان را دارد، حدود دو میلیارد نفر از گرسنگی رنج می‌برند. (مطهری، ۱۳۹۷، ج ۳۱، ص ۱۹۳)

تحلیل ایشان نشان می‌دهد که این گرسنگی تصادفی نیست، بلکه نتیجه مستقیم سیاستهای نظام سلطه است. مطهری تأکید می‌کند که مردم گرسنه نیستند، بلکه گرسنه نگه داشته شده‌اند؛ گرسنگی در جهان پدیده‌ای است معلول ظلم بشر. (مطهری، ۱۳۹۷، ج ۳۱، ص ۱۹۲) به باور وی، اگر کشورهای ثروتمند از بهره‌کشی کشورهای فقیر دست بردارند، آنها قادرند خود را سیر کنند. این تناقض زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم در بسیاری از نقاط جهان، مازاد تولید غذایی به دریا ریخته می‌شود، در حالی که بخش‌های گرسنه جهان از دسترسی به این منابع محروم هستند. مطهری این وضعیت را ناشی از سیاستهای عمدی و منافع کشورهای قدرتمند می‌داند که بر پایه تضعیف دیگران استوار است. (مطهری، ۱۳۹۷، ج ۳۱، ص ۱۹۳) ایشان با اشاره به «برنامه انقلاب سبز» سازمان ملل متحد خاطرنشان می‌کنند که با سرمایه‌گذاری ۵۰ میلیارد دلاری در توسعه کشاورزی می‌توان جهان را از گرسنگی نجات داد، در حالی که چندین برابر این مبلغ (حدود ۳۰۰ میلیارد دلار) صرف مسابقات تسلیحاتی می‌شود. حتی با اختصاص یک ششم این بودجه (۵۰ میلیارد دلار) می‌توان ۱/۵ میلیارد گرسنه جهان را از فقر نجات داد. (مطهری، ۱۳۹۷، ج ۳۱، ص ۱۹۳)

از نظر مطهری، مسئله گرسنگی در جهان هر چند ظاهری مادی دارد؛ اما ریشه آن در فقدان معنویت است. بنابراین مسئله گرسنگی، مولود يك مسئله انسانی یعنی ظلم، استثمار، تعدی بشر به بشر و سوء رابطه انسان با انسان است که مساله‌ای معنوی است. (مطهری، ۱۳۹۷، ج ۳۱، ص ۱۹۲)

۲/۶. شبهه «فرزند دشمن زیبایی و سلامت زن»

امروزه توجه به بدن و معیارهای نوین زیبایی از مولفه‌های هویتی زنان در جهان مدرن است. از این رو

هر آن چه که زیبایی اندام‌شان را به خطر اندازد، اجتناب می‌کنند. (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷، ص ۴۲۳)

مطهری این نگرش که فرزند را به عنوان عنصری مزاحم برای زنان امروز، دشمن زیبایی، آسایش و شادی آنان معرفی می‌کند و مادری را پدیده‌ای ناپسند جلوه می‌دهند، نوعی تابوی اجتماعی بی‌اساس می‌دانند که اندیشمندانی مانند برتراند راسل در ایجاد آن نقش داشته‌اند. مطهری به‌ویژه به دیدگاه راسل اشاره می‌کنند که

لذت شیردادن را صرفاً محصول تلقینات مردانه و فریب زنان تفسیر می‌کند. از منظر ایشان، این ترس و وحشتی که امروزه گریبانگیر بخش قابل توجهی از زنان شده، فاقد هرگونه پایه منطقی است. فرزندآوری نه تنها پیامد منفی برای سلامت و زیبایی زنان ندارد بلکه بر عکس، سلامتی و زیبایی زنان، وابسته به همین فرایند طبیعی فرزندآوری است. از نظر ایشان زنان امروز در اثر این القانات منفی، از یک سو، خویش را از سلامتی ناشی از عمل طبیعی زایش محروم کرده و از سوی دیگر لذتی را که ثمره عمل طبیعی شیردادن است از خود دریغ داشته‌اند. این تصور نادرست باعث شده بسیاری از زنان نه تنها از فرزندآوری رویگردان شوند، بلکه بارها با تحمل کورتاژهای مکرر، به مقابله با این موهبت طبیعی بپردازند. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۱۲۴)

۳/۶. شبهه فقدان روزی فرزند

یکی از شبهاتی که در موضوع فرزندآوری طرح می‌شود، فقدان روزی بالفعل فرزندان است. باور برخی این است که باید همه نیازکودک موجود باشد تا برای فرزندآوری اقدام کنند. همین مساله منجر به کاهش فرزندآوری می‌شود. وی در پاسخ به این رویکرد موضوع را از دو منظر تحلیل می‌کنند. از نظر ایشان گاهی روی سخن ما وجود اصل رزق برای موجودات است، در این صورت باور ما این است که این موجود خلق شده و روزی هم برای او وجود دارد. اما گاهی مساله را با عطف توجه به مجموع شرایط در نظر می‌گیریم؛ در این صورت باید به شرایط تحقق روزی هم توجه کرد. مثلاً شخص وظیفه دارد دنبال روزی برود. در این جا هر چند رابطه تکوینی بین روزی و روزی‌خوار وجود دارد اما ماده‌ای وجود دارد که متناسب با این روزی‌خوارهاست. (مطهری، ۱۴۰۱، ج ۳۳، ص ۳۰۷) از نظر ایشان جایی که جودی ممکن باشد، خدا به دلیل کمال ذاتش محال است که جود نکند. باید و نباید به یک نوع ضرورت از خارج برمی‌گردد. در حالی که هیچ نوع ضرورت خارجی وجود ندارد. از این رو قرآن به «کَتَبَ عَلٰی نَفْسِهِ» تعبیر کرده و نه «کَتَبَ عَلَیْهِ». (مطهری، ۱۴۰۱، ج ۳۳، ص ۳۰۵)

۴/۶. شبهه فتنه بودن فرزند برای انسان

یکی از شبهاتی که درباره فرزندآوری مطرح و براساس آن، گاه به عدم مطلوبیت کثرت مولید حکم می‌شود، این است که قرآن از فرزندان با عنوان «فتنه» یاد کرده است. افزون بر این که علاقه به آنها مورد

نکوهش است.

مطهری در آثار خود به پاسخ به آن پرداخته‌اند. وی برای طرح شبهه به دو آیه اشاره می‌کند: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (تغابن: ۱۵) و «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (انفال: ۲۸) بدانید ثروت و فرزندان، برای شما فتنه هستند.

ایشان در مقام پاسخ به این شبهه نخست «فتنه» را به معنای «امتحان و آزمایش» معنا کرده و معتقدند به فتنه «فتنه» گفته می‌شود زیرا انسان را به خود مشغول می‌کند و امتحان بودنش به همین است. قرآن می‌فرماید: «وَتَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً» ایشان با طرح این پرسش اساسی که «آیا آنچه مایه آزمایش بشر است ذاتاً خیر است یا شر؟»، پاسخ می‌دهند که ماهیت این امور به واکنش انسان بستگی دارد. یک نعمت ظاهری مانند ثروت یا سلامت می‌تواند با سوءاستفاده انسان به نعمت تبدیل شود، و بالعکس، یک مصیبت ظاهری مانند فقر یا بیماری می‌تواند با صبر و شکرگزاری به نعمتی معنوی مبدل گردد. از این رو، نباید هر چیزی را که مایه امتحان انسان است بد دانست. زیرا امتحان گاه به معنای عمل تمرینی برای امتحان‌شونده است تا استعدادهای درون او به فعلیت برسد. امتحان نوعی عمل برای کمال‌یافتن است (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۷، ص ۳۹۱) زیرا انسان در خلال گرفتاری‌ها کمال می‌یابد. این به خود انسان بستگی دارد که از این امتحان چگونه بیرون بیاید. از این رو علاقه به فرزند نکوهش نمی‌شود.

بنابراین، آنچه را قرآن ناپسند می‌شمارد علاقه به معنی قانع بودن و رضایت دادن به امور مادی دنیوی است و گرنه ثروت و فرزند به خودی خود مورد نکوهش نیستند. (مطهری، ۱۳۹۷، ج ۳۰، ص ۹۷) از این رو قرآن می‌فرماید: «ثروت و فرزندان مایه رونق زندگی همین دنیاست و اما اعمال صالح که باقی می‌مانند از نظر پاداش الهی و از نظر اینکه انسان آنها را هدف قرار دهد بهترند.» (کهف: ۴۶) در حقیقت این امور نباید به عنوان ایده‌آل نگریسته شوند بلکه اینها وسیله هستند. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۶، ص ۲۱۷) افزون بر این که، خود اولیای الهی از این محبت‌ها بهره‌مند بودند و این برایشان کمال بود و نه نقص. پیامبر (ص) فرزندان خود را دوست می‌داشت. (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۲۲۵)

۵/۶. شبهه دشمنی فرزند برای انسان

گاه شبهه می‌شود که خداوند فرزندان را «دشمن» معرفی کرده است: «إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا

لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ» (تغابن: ۱۴)

مطهری در پاسخ بر این باورند که مقصود قرآن این نیست که همسران و فرزندان به معنای واقعی کلمه «دشمن» هستند و قصد آسیب رساندن دارند. شکی نیست که چنین چیزی هست. زیاد اتفاق می افتد که فرزندانی نسبت به پدران خود احساسات کینه توزانه دارند. بلکه گاه محبت های افراطی و وابستگی های ناسالم می تواند اثری مشابه رفتار دشمن بر جای بگذارد. ایشان به شأن نزول آیه اشاره می کنند که برخی از صحابه هنگام تصمیم به جهاد یا هجرت، با گریه خانواده شان مواجه می شدند. این افراد از روی محبت و دلسوزی، ناخواسته مانع انجام تکلیف الهی می شدند و عملاً نقش «دشمن» را ایفا می کردند، در حالی که قصدشان خیرخواهانه بود. البته قرآن هم می فرماید: «بعضی» از همسران و فرزندان چنین هستند نه همه آنان (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۷، ص ۳۸۷)

نتیجه گیری

بر اساس یافته ها، از منظر مطهری فرزندآوری امری فطری و کارکردی است که در آموزه های دینی برآن تاکید شده است. کنترل مولید و نابودی جنین پس از شکل گیری آن در هر مرحله ای حرام بوده و قتل شمرده می شود. کنترل مولید به شکل کنونی امری گزکارکردی بوده و سرانجام به نابودی نسل بشر منجر می شود. باید نخبگان و توده مردم را اقناع کرد که کثرت مولید کارکردهای بسیاری از حیث مادی و معنوی برای جامعه و خانواده داشته و زمینه ساز تکامل شخصیتی و معنوی والدین را فراهم می آورد. برخلاف اندیشه برخی بدبینان افزایش جمعیت هیچ گاه عامل فقر نبوده بلکه مشکلات جهان بسته مدیریت ناعادلانه جهان است. برای باز کردن گره ذهنی باید به رفع شبهات در خصوص افزایش جمعیت و فرزندآوری، همت گماشت. فرزند نه دشمن زیبایی و سلامت مادران و نه دشمن انسان است. بلکه آفریده خداست که روزی خود را به همراه دارد. بنابراین، نگرش جامعه اسلامی به جمعیت و فرزندآوری باید دگرگون شود؛ نگرش به جمعیت به مثابه امری فطری و دارای ضرورت کارکردی باید جایگزین نگرش جمعیت به عنوان عامل فقر، مانع توسعه، موجود مزاحم و نابود کننده فرصت های زندگی والدین بشود. در خصوص رویکرد اندیشمندان به موضوع جمعیت چهار دیدگاه طرفدار افزایش، کاهش، ثبات و تناسب جمعیت وجود دارد. مطهری را می توان به نوعی در زمره کسانی دانست که به جمعیت متناسب، باور دارند. البته این خوانش از رویکرد ایشان، مبتنی بر جریان حکم ثانوی در مسائل مهم اجتماعی است. بدین معنا که اگر کاهش یا افزایش جمعیت سبب ساز اختلال در

نظام اجتماعی باشد، قوانین و سیاست‌های جمعیتی باید مبتنی بر شرایط اجتماعی دگرگون شود. بر اساس یافته‌های پژوهش، برای بهبود وضعیت جمعیت، هم حاکمیت و هم نخبگان اجتماعی باید به کنشگری فعال بپردازند. با الهام از دیدگاه فطری و کارکردی استاد مطهری درباره فرزندآوری، بسته پیشنهادی در سه محور مهم ارائه می‌شود:

۱. تحول گفتمانی: جایگزینی روایت «جمعیت به مثابه تهدید» با «جمعیت به مثابه نعمت و سرمایه معنوی» از طریق رسانه، آموزش نخبگان و بازنگری در متون درسی.
۲. حمایت‌های عینی: ارائه مشوق‌های اقتصادی برای تشکیل خانواده و فرزندآوری از جمله معافیت‌های مالیاتی، مسکن حمایتی، پوشش کامل بیمه سلامت و تجهیزیه برای فرزندان سوم به بعد.
۳. نهادسازی فرهنگی-اجتماعی: ایجاد نهادهای مردمی قرض الحسنه، مشاوره‌های خانواده رایگان و جشن‌های ملی ترویج فرزندآوری، به منظور تقویت باورهای دینی و رفع شبهات درباره تأثیر جمعیت بر فقر و توسعه. در همه این موارد علاوه بر کنشگری دولت و نخبگان می‌توان از ظرفیت پژوهش‌های علمی در قالب تولید آثار فاخر در قالب کتاب و پایان نامه نیز استفاده کرد.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، ابو حامد عزالدین، (۱۴۱۸)، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲. آشفته تهرانی، امیر، (۱۳۸۱)، جمعیت شناسی و تحلیل جستارهای جمعیتی، تهران، گستره.
۳. تقوی، نعمت الله، (۱۳۷۹)، جمعیت و تنظیم خانواده، تهران، دانیال.
۴. چراغی کوتیانی، اسماعیل، (۱۳۹۷)، بحران خاموش: واکاوی جامعه‌شناختی علل فرهنگی اجتماعی کاهش باروری در ایران، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۵. خرازی، سید محسن، (۱۳۷۹)، «کنترل جمعیت و عقیم سازی ۱»، فقه اهل بیت (ع)، ش ۲۱، ص ۴۱-۶۹.
۶. سرایی، حسن، (۱۳۶۸)، موضوع و منزلت علمی جمعیت شناسی، رشد آموزش علوم اجتماعی، ش ۲.
۷. عابدی جعفری، حسن، محمدسعید تسلیمی، ابوالحسن فقیهی و محمد شیخ زاده، (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، ش ۱۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۷)، الکافی (اصول)، باهتمام: محمدحسین الدرایتی، قم، دارالحديث.
۹. گولدستون، جک و اریک کافمن و مونیکا دوفی تافت، جمعیت‌شناسی سیاسی، تهران، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، ۱۳۹۵.
۱۰. لیتل، دانیل، (۱۳۸۱)، تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی بر فلسفه علم الاجتماع، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، طلوع آزادی.
۱۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷)، یادداشتهای استاد مطهری، ج ۱۱، تهران، صدرا.
۱۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۲)، یادداشتهای استاد مطهری، ج ۵، تهران، صدرا.
۱۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۲)، یادداشتهای استاد مطهری، ج ۷، تهران، صدرا.
۱۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۳)، مجموعه آثار، ج ۱۹، تهران، صدرا.

۱۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵)، یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۱۰، تهران، صدرا.
۱۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷)، مجموعه آثار، ج ۲۶، تهران، صدرا.
۱۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷)، مجموعه آثار، ج ۲۷، تهران، صدرا.
۱۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷)، مجموعه آثار، ج ۳، تهران، صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۸)، مجموعه آثار، ج ۱، تهران، صدرا.
۲۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۸)، مجموعه آثار، ج ۱۳، تهران، صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، مجموعه آثار، ج ۲۲، تهران، صدرا.
۲۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، مجموعه آثار، ج ۲۸، تهران، صدرا.
۲۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، مجموعه آثار، ج ۱۵، تهران، صدرا.
۲۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، مجموعه آثار، ج ۴، تهران، صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۲)، مجموعه آثار، ج ۲۹، تهران، صدرا.
۲۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۷)، مجموعه آثار، ج ۳۱، تهران، صدرا.
۲۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۷)، مجموعه آثار، ج ۳۰، تهران، صدرا.
۲۸. مطهری، مرتضی، (۱۴۰۱)، مجموعه آثار، ج ۳۳، تهران، صدرا.
۲۹. میرزایی، خلیل، (۱۳۹۳)، فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی، تهران، فروزان.
۳۰. هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۸۴)، تمدن اسلامی و چین؛ دو چالش پیش روی تمدن غرب، سیاحت غرب، س ۳، ش ۳۲.